

متن کامل دعای کمیل
به همراه ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

خداوندا، از تو مسئلت دارم، به حق رحمت که همه چیز را فرا گرفته است

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

و به نیرویت که با آن تمام موجودات را مقهور خویش ساختی

وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ

و همه چیز در برابر آن سر تسلیم فرود آورده است

وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ

و در مقابل آن هر چیزی ذلیل و خوار گشته است

وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

و به جبروتت که با آن بر همه چیز چیره گشتی

وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ

و به عزتت که چیزی در برابرش تاب نیاورد

وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ

و به عظمت و بزرگی ات که همه چیز را پُر کرده

است

وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ

و به پادشاهی ات که بر همه چیز برتری یافته

وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

و به وجه و سیمای تو که پس از نابودی همه چیز،

باقی خواهد بود

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

و به اسماء تو که ارکان هستی اند و همه چیز را پُر

کرده است

وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

و به علمت که بر همه چیز احاطه نموده

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ

و به نور وجهت که هر چیزی به وسیله آن، تابنده

شده است

يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ

ای نور، و ای همه قداست و پاکی

يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ

ای ابتدای هر آغاز، و ای فرجام هر پایان

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که پرده

عصمت را پاره می کند

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقَمَ

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که بلا و

کیفرها را فرو می آورد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را کہ نعمت‌ها را
دگرگون می‌سازد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را کہ دعا را [از
اجابت] باز می‌دارد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را کہ بلا نازل
می‌کند

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ

خداوندا، هر گناہی را کہ مرتکب شده‌ام، بر من
ببخش

وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا

و هر خطایی را کہ از من سر زده است، ببخش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ

خدایا، من با یاد تو، به سویت تقرّب می‌جویم

وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ

و تو را برای خودت شفیع می‌آورم

وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ

و به حقّ بخشندگی‌ات، از تو می‌خواهم کہ مرا به

خودت نزدیک گردانی

وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ

و شکرگزاری‌ات را روزی‌ام سازی

وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

و یادت را به من الهام فرمایی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ

خدایا، از تو درخواست می‌کنم، درخواستِ

بنده‌ای فروتن، ذلیل و خاکسار

أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي

که بر من آسان‌گیری و رحم‌نمایی

وَتَجْعَلَنِي بِقَسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا

و مرا به آنچه روزی‌ام نموده‌ای راضی و قانع

سازی

وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا

و در هر حالی فروتن‌گردانی

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم، درخواستِ

بنده‌ای که تنگدستی و نیازش شدید شده است

وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ

و به‌هنگام سختی‌ها، حاجتِ خود را به آستان تو

آورده

وَعَظَمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ

و رغبتش به آنچه نزد توست، زیاد شده است

اللَّهُمَّ عَظَمَ سُلْطَانُكَ

خداوندا، سلطنت و فرمانروایی‌ات بزرگ است

وَعَلَا مَكَانُكَ

و مقامت بسیار بلند است

وَخَفِي مَكْرُكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ

و مکرّت پنهان است و امرت آشکار

وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَّتْ قُدْرَتُكَ

و قهاریتت غالب است و قدرتت نافذ

وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

و گریز از قلمروی حکومتت ممکن نیست

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا

بارالها، جز تو کسی را نمی‌یابم که گناهانم را

بیامزد

وَلَا لِقْبَائِحِي سَاتِرًا

و جز تو کسی را نمی‌یابم که زشتی‌هایم را

پوشاند

وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا

غَيْرَكَ

و جز تو کسی را نمی‌یابم که کار ناپسندم را به

زیبایی تبدیل نماید

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ

جز تو معبودی نیست! پاک و منزّهی، و این

تسبیح همراه با حمد و ستایش توست

ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي

من به خود ستم روا داشتم، و به‌خاطر نادانی،

گستاخی کردم

وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنْكَ عَلَيَّ

اما خاطر آسوده‌ام که همیشه به یاد من بودی و بر

من لطف و احسان می فرمودی

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ

ای خدا و ای مولای من، چه بسیار زشتی‌ها که

بر من پوشانیدی

وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلَّتَهُ

و چه بسیار بلاهای سنگین و بزرگی که از من

دفع کردی

وَكَمْ مِنْ عَثَارٍ وَقَيْتَهُ

و چه بسیار لغزش‌ها که مرا از آن‌ها حفظ کردی

وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ

و چه بسیار امور ناخوشایندی که از من دور

ساختی

وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ

و چه بسیار تمجیدهای نیکی که سزاوار آن

نبوده‌ام، ولی تو بر سر زبان‌ها انداختی!

اللَّهُمَّ عَظُمَ بِلَائِي

خداوندا، بلا و گرفتاری‌ام شدید شده

وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي

و بدحالی‌ام از حد گذشته

وَقَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي

و کردارم [در رساندن من به هدف] نارسا گشته

وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي

و زنجیرها [ی تعلقات] مرا زمین گیر کرده

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي

و آرزوی دور و دراز، مرا از رسیدن به منفعتم باز

داشته است

وَاخَذَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا

و دنیا با فریبندگی اش مرا فریفته است

وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي

و نفسم با جنایت و امروز و فردا کردنش، مرا

فریب داده است

يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ

دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي

پس ای آقای من، به عزتت قسم، از تو می خواهم

که بدی کردارم، مانع [پذیرش] دعای من از درگاه

تو نشود

وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي

و مرا با آنچه از اسرار نهانم می دانی رسوا مسازی

وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي

خَلَوَاتِي

و در کیفر آنچه در خلوت‌هایم انجام داده‌ام،

شتاب نکنی

مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي

از زشتی کردار و بدی رفتارم

وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي

و مداومت در کوتاهی و جهالتم

وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي

و بسیاری شهوت‌ها و غفلم

وَكَأَنَّ اللَّهَ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْوفاً

خدایا، به عزتت سوگند که در همه احوال با من

رفتار و مهربان باش!

وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفاً

و در همه امور بر من باعطوفت باش

إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ

ای خدا و پروردگار من، به جز تو چه کسی را

دارم؟!

أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

که از او بخواهم گرفتاری‌ام را برطرف کند و در

کار من نظر [لطف] بیندازد

إِلَهِي وَمَوْلَايَ

ای خدا و ای مولای من

أَجْرِيَتْ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي

حُکمی را بر من جاری ساختی که در آن از هوای

نفسم پیروی کردم

وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي

و مواظب دشمنم (شیطان) نبودم که [اعمال

زشتم را] زینت می داد

فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى

پس او هم مرا به خواهش های دلم فریب داد

وَأَسْعَدَهُ عَلَى ذَلِكَ الْقَضَاءُ

و تقدیر نیز او را در این امر یاری نمود

**فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ
حُدُودِكَ**

و به سبب این مسائل، از بعضی از حد و مرزهای

تو تجاوز کردم

وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ

و با بعضی از دستورات تو مخالفت نمودم

فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

پس در همه آن مسائل، تو علیه من حجت داری

وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ

و در آنچه قضای تو بر آن تعلق گرفته، من حجتی

ندارم

وَالزَّمَنِي حُكْمَكَ وَبَلَاؤُكَ

و حکم و آزمایش تو مرا به آن مقید کرده است

وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَى

نَفْسِي

اینک ای خدای من، بعد از کوتاهی ام، و ستمی

که بر جان خویش انجام دادم، به پیشگاه تو آمده ام

مُعْتَذِرًا نَادِمًا

در حالی که عذرخواه و پشیمانم

مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا

و شکسته دل و طالبِ بخشش هستم

مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا

و استغفار کننده و بازگشت کننده ام

مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا

و [به گناه خویش] اقرار و اذعان دارم و اعتراف

می کنم

لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي

و از آنچه از من سر زده، راه نجاتی نمی یابم

وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

و برای مشکلم پناهگاهی نمی یابم که به آن پناه

برم

غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ

رَحْمَتِكَ

جز اینکه عذرم را بپذیری و مرا در رحمت

گسترده خود وارد کنی

اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي

پس خداوندا، عذرم را بپذیر

وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي

و بر بیچارگی بسیارم ترحم فرما

وَفُكَّنِي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي

و مرا از بندهای سخت برهان

يَا رَبِّ اَرْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي

ای پروردگار من، بر ناتوانی جسمم رحم کن

وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي

و بر نازکی پوستم و نرمی استخوانم ترحم فرما

يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي

ای کسی که در ابتدا مرا آفریدی و به یاد من بودی

وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي

و [از همان زمان] عهده‌دار تربیت و نیکی و

تغذیه من بودی

هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرَكَ بِي

حال، به همان سابقه کرم و احسان گذشته، مرا

بخش

يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي

ای معبود و آقا و پروردگار من!

اَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ

آیا این گونه می بینی که مرا باوجود اقرار به

یگانگی ات، به آتش عذاب می کنی؟!

وَبَعْدَ مَا اَنْطَوِي عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ

و پس از آنکه دلم از شناخت تو روشنی یافته

است مرا می سوزانی؟!

وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ

و باوجود آنکه زبانم به ذکر تو گویا شده...

وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ

و با اینکه نهاد من با محبت تو گره خورده...

وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ

و بعد از آنکه صادقانه اعتراف کرده‌ام و تو را

خوانده‌ام و در برابر ربوبیتت خاضع بوده‌ام، مرا

عذاب نمایی؟!!

هَيْهَاتَ

هیهات! بسیار بعید است!

أَنْتَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ

تو بزرگوarter از آنی که کسی را که خودت

پرورده‌ای، تباه کنی!

أَوْ تُبَعِّدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ

یا کسی را که به خود نزدیک کرده‌ای، دور نمایی

أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ

یا آن را که خود پناهِش دادی، از خود برانی

أَوْ تُسَلِّمَ إِلَيَّ الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ

یا کسی را که خود مورد حمایت و رحمت قرار

داده‌ای، به امواج بلا واگذاری

وَأَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلْهِي وَمَوْلَايَ

ای آقا و معبود و مولای من!

ای کاش می دانستم...

أَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظْمَتِكَ سَاجِدَةً

... که آیا بر صورت‌هایی که در برابر عظمت بر

خاک به سجده افتاده‌اند، آتش را مسلط می‌کنی؟!

**وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقْتَ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ
مَادِحَةً**

و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی‌ات گویا

گشته‌اند و در شکرگزاری تو را ستوده‌اند؟!

وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً

و بر آن دل‌هایی که واقعاً به خداوندی‌ات اعتراف

نموده‌اند؟!

**وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ
خَاشِعَةً**

و بر آن جان‌هایی که سرشار از معرفت تو

شده‌اند، تا آنجا که در برابرت فروتن گشته‌اند؟!

**وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ طَائِعَةً
وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً**

و بر اعضا و جوارحی که مشتاقانه به سوی

عبادت گاه‌های تو شتافته‌اند و با اعتراف از تو آمرزش

طلبیده‌اند؟! [آیا همه این‌ها را می‌سوزانی؟!]

مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ

هرگز به تو چنین گمانی نداریم!

وَلَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ

و از فضل تو به ما چنین خبر نداده‌اند!

يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ

ای خدای سخاوتمند؛ ای پروردگار!

**وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا
وَعُقُوبَاتِهَا**

در حالی که تو خود از ناتوانی من در برابر کمی از

بلاى دنیا و کیفرهای آن، خبر داری!

وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا

و ضعف مرا در برابر سختی‌هایی که در زندگی

دنیا به مردم می‌رسد، می‌دانی!

**عَلَى أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُوءٌ يَسِيرٌ
بِقَاوِهِ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ**

با آنکه بلاهای دنیا درنگش کم، ماندگاری‌اش

ناچیز و مدتش کوتاه است

**فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وَقُوعِ
الْمَكَارِهِ فِيهَا؟**

پس چگونه خواهد بود تحمل من در برابر بلاى

آخرت و ناملايمات عظيم آن؟!!

وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ

در صورتی که آن بلایی است که مدتش طولانی

و درنگش دائمی است

وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ

و این عذاب برای اهل آن هیچ تخفیفی نخواهد

داشت

لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ

چراکه از غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه

گرفته است

وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

و این چیزی است که آسمانها و زمین تاب

تحمل آن را ندارند

يَا سَيِّدِي

ای آقای من!

فَكَيْفَ لِي

پس من چگونه در برابر آن تاب آورم؟!

وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ

الْمُسْتَكِينُ

در حالی که من بنده ناتوان و خوار و حقیر و

بی‌نوا و درمانده تو هستم!

يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

ای خدا و پروردگار و آقا و مولای من!

لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو؟!

از کدامین گرفتاری‌ام به درگاه تو شکوه کنم؟!

وَلِمَا مِنْهَا أَضِجُّ وَأَبْكِي؟!

برای کدام گرفتاری‌ام به درگاهت بنالم و گریه

کنم؟!

لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ؟!

از دردناک بودن عذاب و سختی آن؟!

أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ؟!

یا از طولانی بودن بلا و درازی مدت آن؟!

فَلَنْ صَبْرَتِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ

پس اگر مرا در کیفرها با دشمنانت قرار دهی ...

وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ

و اگر مرا با اهل بلایت در یک جا گردآوری ...

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ

و اگر میان من و دوستان و اولیای جدایی

افکنی ...

فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي

پس ای خدا و آقا و مولا و پروردگار من!

صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ

گیرم که بر عذابت صبر کنم!

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؟!

ولی چگونه بر فراق تو شکیباشم؟!

وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ؟!

و گیرم که گرمای سوزان آتش را تحمل کنم!

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ؟!

اما چگونه تاب آورم که چشم امید به بزرگی ات

نیندازم؟

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ؟!

یا چگونه در آتش جهنم ساکن شوم و حال آنکه

امید من به بخششِ توست؟!!

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

پس ای آقا و مولای من!

أُقْسِمُ صَادِقًا

سوگندِ راست می خورم

لَئِنْ تَرَكَتَنِي نَاطِقًا

که اگر زبانم را باز بگذاری

لَأُضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ

واقعاً در میان اهل جهنم مانند آرزومندان، به

پیشگاهِ تو نالهِ سر می دهم

وَلَأُصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

و همچون فریادخواهان به درگاهِ تو فریاد برآورم

وَلَأُبْكِينَ عَلَىكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ

و مانند آنان که عزیزی از دست داده‌اند، از فراق

تو بگریم

وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

و تو را صدا می‌زنم که «کجایی ای پشت‌وپناهِ

مؤمنان؟!»

يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ

ای نهایتِ آرزوی عارفان!

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ

ای فریادرسِ فریادخواهان!

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ

ای محبوبِ دل‌های صادقان!

وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

و ای معبود جهانیان

أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ

ای معبود من که تو را می ستایم...

تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

پس با تمام این‌ها، آیا این گونه می بینی که صدای

بندهٔ مسلمانی را بشنوی...

سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ

... که به خاطر نافرمانی‌اش در دوزخ زندانی

شده است!؟

وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ

و به کیفرِ گناهش، طعم عذاب جهنم را می چشد

وَحُبْسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ

و به خاطرِ جرم و گناهش، در میان طبقات دوزخ

حبس شده است

وَهُوَ يَضْحُجُّ إِلَيْكَ ضَجِيحَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ

و او همچون امیدوارانِ به رحمتت، به درگاهت

نال می زند

وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ

و با زبان اهل توحیدت تو را می خواند

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ!؟

و به پیشگاه تو، به ربوبیت خودت متوسل شده و

چنگ می زند

يَا مَوْلَايَ

ای سرور من!

**فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرَجُو مَا سَلَفَ مِنْ
حِلْمِكَ!؟**

پس چگونه در عذاب ماندگار می شود، در حالی

که به سابقه بردباری تو امید دارد؟!!

**أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ
وَرَحْمَتَكَ!؟**

یا چگونه آتش او را آزار دهد، در حالی که فضل

و رحمت تو را آرزو دارد؟!!

**أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ
وَتَرَى مَكَانَهُ!؟**

یا چگونه زبانه های آتش، او را بسوزاند، در حالی

که تو صدای [نالۀ] او را می شنوی و جایگاه او را

می بینی؟!!

**أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ
ضَعْفَهُ!؟**

یا چگونه دم سوزان آتش، او را فرا گیرد، و حال

آنکه تو از ناتوانی اش خبر داری؟!!

أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ!؟

یا چگونه بین طبقات دوزخ به این سو و آن سو

رود، در حالی که تو از صدق ادعای او آگاهی؟!

أَمْ كَيْفَ تَزَجُرُهُ زُبَانِيَّتُهَا وَهَوِيْنَادِيْكُ يَا رَبَّاهُ؟!

یا چگونه دوزخ بانان او را برانند، و حال آنکه

ندای «یا ربّ» او بلند است؟!

أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا؟!

یا چگونه ممکن است برای رهایی اش از دوزخ

به فضلِ تو امید داشته باشد و تو او را در آنجا به حال

خود واگذاری؟!

هِيَاهُ مَا ذَلِكُ الظَّنُّ بِكَ

هیاهات که چنین نیست و به تو چنین گمانی

نمی رود!

وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ

و این چیزی نیست که از فضل تو شناخته شده

باشد

وَلَا مُشْبِهَةٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ

و این با رفتاری که از نیکی و احسانت با

موحّدین داشته‌ای، شباهتی ندارد

فَبِالْيَقِيْنِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيْبِ جَاحِدِيْكُ

بنابراین من یقین دارم اگر به عذاب منکران حکم

نکرده بودی

وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ

و قضای حتمی تو بر جاودانگی عذابِ معاندان
تعلق نگرفته بود

لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا

همه آتش دوزخ را سرد و سلامت می گردانیدی

وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا

و برای هیچ کس در جهنم منزل و جایگاهی
وجود نداشت

لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

اما تو ای خدایی که نام‌هایت مقدس است

**أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ**

سوگند یاد کرده‌ای که دوزخ را از همه کافران
جن و انس پر کنی

وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ

و معاندان و ستیزه‌جویان را در آن تا ابد ماندگار
سازی

وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا

و هم تو که ثنایت پرشکوه باد، پیشاپیش فرمودی

وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا:

و به این انعام از روی بزرگواری تفضل نمودی

[که فرمودی]:

﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا ۗ لَا يَسْتَوُونَ﴾

﴿آیا آن کسی که مؤمن است همانند کسی است

که فاسق است؟! [هرگز چنین نیست] یکسان

نیستند!﴾

إِلَهِي وَسَيِّدِي

ای معبود و آقای من

فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا

پس از تو درخواست می‌کنم به حق آن قدرتی که

مقدر کردی

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا

و به حق آن قضایی که آن را حتمی و قطعی

نمودی

وَوَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا

و بر آن کس که قضایت را در حق او جاری

کردی، غلبه پیدا کردی

أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ

[می‌خواهم] که در این شب و در این ساعت، بر

من ببخشی

كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ

هر جرمی را که انجام داده‌ام

وَكُلِّ ذَنْبٍ أَدْنَبْتُهُ

و هر گناهی را که مرتکب شده‌ام

وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ

و هر زشتی ای را که پنهان داشته‌ام

وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ

و هر نادانی ای را که به کار گرفته‌ام

كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ

چه آن را پنهان داشتم یا اینکه آشکار نمودم

أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ

چه مخفی داشتم و چه عیان ساختم

وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ

و [بر من ببخش] هر کار ناپسندی را که به

فرشتگان ارجمندت امر نمودی تا آن را ثبت کنند

الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

کسانی که آنها را گماشتی تا هرچه را از من سر

می‌زند، ثبت نمایند

وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي

و آنها را به‌همراه اعضای بدنم، علیه من گواه

قرار دادی

وَكَُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ

و از پس آنان نیز تو خود ناظر [احوال] من بودی

وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ

چیزهایی را شاهد بودی که از ایشان نیز پنهان

مانده بود!

وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ

اما تو به رحمت خویش آنها را مخفی نگه

داشتی

وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

و به فضل خود پوشاندی

وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ

و [از تو می‌خواهم] از هر خیری که فرو

فرستاده‌ای، نصیب مرا فراوان گردانی

أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ

یا از هر احسانی که [بر بندگان] تفضل نموده‌ای

أَوْ بِرِّ نَشَرْتَهُ

یا از هر نیکی‌ای که پراکنده ساخته‌ای

أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ

یا از هر روزی‌ای که گسترده‌ای

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ

یا از هر گناهی که می‌آمرزی

أَوْ خَطَاً تَسْتُرُهُ

یا هر خطایی که می‌پوشانی

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار

من!

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِقِّي

ای معبود و آقای من، و ای سرور و

صاحب اختیار من!

يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي

ای آنکه زمام امور من به دست اوست

يَا عَلِيماً بِضُرِّي وَمَسْكَنتِي

ای دانا به بیچارگی و بی‌نوایی من

يَا خَبيراً بِفَقْرِي وَفَاقَتِي

ای آگاه از فقر و تهی‌دستی من

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار

من!

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ

به حقّ خودت، و به ذات مقدّست

وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ

و به حقّ عظیم‌ترین صفات و اسامی‌ات

درخواست می‌کنم

**أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ
مَعْمُورَةً**

که اوقات شب و روز مرا با یاد خودت آباد

گردانی

وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً

و پیوسته در خدمت‌گزاری خودت قرار دهی

وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً

و اعمالم را مقبول در گاهت بگردانی

حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وَرِزْقاً وَاحِداً

تا اعمال و اوراد من همه، یک جا و یک جهت

[برای تو] باشد

وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَداً

و حال من تا ابد پیوسته در خدمت تو باشد

يَا سَيِّدِي

ای آقای من

يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي

ای آن که تکیه من بر اوست

يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي

ای آن که شکایت حال من را فقط به سوی او می برم

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار

من!

قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي

اعضای تنم را در خدمت به خودت نیرومند کن

وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي

و دلم را بر عزم و همت استوار ساز

وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ

و جدیت در ترس از خودت را به من عنایت فرما

وَالدَّوامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ

و همیشه مرا در خدمت خودت قرار بده

حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ

تا در عرصهٔ پشتانان به سویت روان باشم

وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ

و در زمرهٔ پیشگامان به سمت تو بشتابم

وَأَشْتَقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَقِينَ

و در جملهٔ مشتاقان به قُرب تو اشتیاق بورزم

وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ

و مانند مخلصین و رهایی‌یافتگان به تو نزدیک

شوم

وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ

و مثل اهل یقین از تو بترسم

وَأَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

و با مؤمنان در جوار تو گرد آیم

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ

خداوندا، هر کس شرّ مرا بخواهد، بدش را بخواه

وَمَنْ كَادَنِي فَكَدْهُ

و هر کس با من حيله ورزد، با او حيله بورز

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ

و مرا از بهره‌مندترین بندگان در نزد خودت قرار

بده

وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ

و از مقرب‌ترین آنها در پیشگاهت قرار بده

وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ

و از مخصوص‌ترین خاصان در گاهت قرار بده

فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ

زیرا جز با فضل تو به این [جایگاه] ها نمی توان

دست یافت

وَجُدُّ لِي بِجُودِكَ

و با جود و بخشش به من ببخش

وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ

و با مجد و بزرگی ات به من توجه کن

وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ

و به رحمت خویش مرا حفظ فرما

وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا

و ذکر خود را ورد زبانم ساز

وَاقْلِبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً

و قلبم را با محبتت واله و شیدا گردان

وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ

و با اجابت نیکویت، بر من منت بگذار

وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي

و لغزشم را نادیده گیر

وَاعْفِرْ زَلَّتِي

خطایم را ببخش

فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ

چرا که تو خود بر بندگان، به پرستش خویش

حکم نمودی

وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ

و فرمان دادی تا تو را بخوانند

وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ

و خود نیز اجابتِ دعای آنان را ضمانت کردی

فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي

پس اینک ای پروردگار من، تنها روی به سوی تو

آوردم

وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي

و دستم را فقط به جانبِ تو دراز کردم

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

پس به عزّتت سوگند، که دعای مرا اجابت کن

وَبَلِّغْنِي مُنَايَ

و مرا به آرزویم برسان

وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي

و امیدم را از فضل خویش ناامید نکن

وَإِكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي

و مرا از گزند دشمنانِ جن و انس، محافظت فرما

يَا سَرِيعَ الرَّضَا

ای خدایی که زود خشنود و راضی می شوی

اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ

بخش بنده‌ای را که جز دعا چیزی ندارد

فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ

که قطعاً تو هر چه را بخواهی انجام می دهی

يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ

ای آن که نامش دواست

وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ

و ای آن که یادش شفاست

وَطَاعَتُهُ غِنَى

و ای کسی که فرمانبرداری از او، بی‌نیازی است

ارْحَمُ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ

رحم کن بر کسی که سرمایه‌اش امید به توست

وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ

و سلاح او گریه و زاری است

يَا سَابِغَ النِّعَمِ

ای گستراننده نعمت‌های بسیار

يَا دَافِعَ النِّقَمِ

ای دور کننده بلاها

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ

ای روشنی تنهایی و حشت‌زدگان در تاریکی‌ها

يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ

ای دانای ناآموخته

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و آل محمد درود فرست

وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

و با من چنان رفتار کن که لایق حضرت توست

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأئِمَّةِ الْمِيَامِينَ مِنْ

آلِهِ

و درود خدا بر فرستاده‌اش و بر امامان خجسته از

خاندانش

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و سلام فراوان بر ایشان باد.